

تاریخ و تمدن اسلامی، سال یازدهم، شماره بیست و دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۵۳-۷۷

مزدوران مسیحی و نقش آنان در حکومت مرینیان (۵۹۱-۸۶۹هـ)^۱

سید حسن مهدیخانی سروجهانی^۲

دانش‌آموخته دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی،

تهران، ایران

هادی عالم زاده

استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران، ایران

یونس فرهمند

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران، ایران

چکیده

مرینیان که در اندلس درگیری‌های مستمری با مسیحیان داشتند، بنا بر گزارش‌های مورخان مسلمان، به‌وفور نیروهای مزدور مسیحی را در جنگ‌ها و نیز در برخی دیگر از امور دیوانی و حکومتی به‌کار می‌گرفته‌اند. این پژوهش بر آن است تا با بررسی و تحلیل این گزارش‌ها، به دلایل و علل استخدام مسیحیان توسط مرینیان پردازد و با تبیین نقش و جایگاه آنان در حکومت مرینی، تأثیر آنها را در حوادث این دوره ارزیابی نماید. مرینیان از یک سو به‌سبب بی‌اعتمادی به بربرها و اعراب، و از دیگر سو به علت نیازشان به مهارت‌های جنگی مسیحیان، با اعطای امتیازات ویژه، آنها را در امور سپاه و دربار به‌خدمت گرفتند. این مزدوران با ارائه خدماتی چون شرکت در نبردها، محافظت از سلطان سرکوبی مخالفان و به‌تدریج به جایگاه مهمی در حکومت مرینی دست یافتند و در واقع با نفوذ در دربار و دخالت در منازعات میان شاهزادگان، زمینه‌ساز ضعف و انحطاط و سرانجام فروپاشی مرینیان شدند.

کلیدواژه‌ها: مرینیان، مسیحیان اندلس، مزدوران مسیحی، مرتزقه، گارسیا بن انطون.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵.

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): s.h.mahdikhani@gmail.com

مقدمه

مرینیان (۵۹۱-۸۶۹هـ) از بربران زناته بودند که طی کشمکش و رقابت با دیگر قبایل بربر در مغرب اقصی به قدرت رسیدند و با توسعه قلمرو خود یک‌چند بر مغرب میانه و حتی مغرب ادنی نیز سلطه یافتند. آنان برخلاف دولت‌هایی مانند مرابطون (۴۵۱-۵۴۹هـ) و موحدون (۵۱۵-۶۶۸هـ) که یک‌سر صیغه دینی داشتند، عمدتاً قدرتی نظامی محسوب می‌شدند؛ بربرها با این قدرت ناسازگار بودند و اعراب نیز به‌سبب مشروع ندانستن حکومت مرینیان، مطیع آنان نبودند و گاه سر به شورش برمی‌داشتند.^۳ از سوی دیگر در حکومت مرینیان، گرچه سلطان بر اساس اصل وراثت حکومت می‌یافت،^۴ اما این اصل گاه رعایت نمی‌شد و موجب بروز اختلاف و درگیری بین طوایف مرینی می‌گردید؛ چنان‌که بنی‌عسکر، از شاخه‌های بنی‌مرین، از همان سال‌های آغازین حکومت آنان، بر طبل مخالفت کوبید.^۵ بین شاهزادگان مرینی نیز در رسیدن به حکومت اختلاف افتاد.^۶ در این میان آن‌که از پشتوانه سیاسی و نظامی قوی‌تری برخوردار بود، بر دیگران غالب می‌شد؛ بنابر این، سلاطین مرینی برای تقویت قدرت و حکومت خود بر نظامیان تکیه کردند و برای داشتن نیروی نظامی فرمانبردار و قابل اعتماد به نیروهای مزدور مسیحی که میراث دولت‌های قبلی در مغرب بودند،^۷ روی آوردند.

۳. از جمله می‌توان به شورش اعراب در سال ۶۶۸هـ اشاره کرد (نک: ابن‌خلدون، العبر، ۲۴۱/۷-۲۴۲).

۴. همو، مقدمه، ۴۷۴/۱.

۵. از جمله بنی‌عسکر در سال ۶۱۴هـ همراه اعراب بنی‌ریاح بر علیه بنی‌مرین متحد شدند (نک: همو، العبر، ۲۲/۷).

۶. بنابر گفته حسین مونس دعوای بین پدر و پسر در خاندان مرینی زیاد بود. علت آن بود که ولیعهد تعیین می‌شد و به دیگر فرزندان توجه نمی‌شد، خصوصاً برای ولیعهد وزیر، دبیر و حواشی تعیین می‌کردند (مونس، تاریخ المغرب و حضارته، ۴۱/۳).

۷. سابقه حضور مزدوران مسیحی در مغرب به دوره مرابطون باز می‌گردد؛ یوسف بن تاشفین (۴۵۳-۵۰۰هـ) غلامانی از صقالبه را خریداری کرده و به عنوان نگهبان ویژه خود در مراکش به کار گرفت. جانشین وی، علی بن یوسف (۵۰۰-۵۳۷هـ) نیز به نیروهای مرتزقه مسیحی توجه زیادی کرد و تعداد چشم‌گیری از آنان را در سپاه خود وارد ساخت؛ نک: فایزه کلاس، «الجیش عند الموحدين»، ۲۰۷. موحدون نیز برای حفظ دولت خود در برابر قبائل

تاریخ‌نویسان عصر مرینی، مانند ابن‌ابی‌زرع (د. ۷۲۶هـ)، ابن‌الحاج نُمیری (د. بعد از ۷۷۴هـ)، ابن‌مرزوق (د. ۷۸۱هـ) و ابن‌خلدون (د. ۸۰۸هـ) از حضور و نقش نیروهای مزدور مسیحی در حکومت مرینیان سخن رانده‌اند. منابع اروپایی نیز، از جمله اسناد معاهدات و مکاتبات بین مرینیان و آراگون بر تأمین بخشی از این نیروها از آراگون دلالت دارند.^۸ این در حالی است که مرینیان که به سبب شرکت در جهاد اسلامی در اندلس، با مسیحیان سر نزاع داشتند ابن‌خلدون، همکاری با مسیحیان را چندان خوش نمی‌داشتند، زیرا آن‌را استمداد از کفار تلقی می‌کردند و بیم هم‌دستی آنان را با دشمن داشتند؛^۹ بنا بر این، اعتماد سلاطین مرینی به نیروهای مُرتزقه^{۱۰} مسیحی و استخدام آنان در امور سپاه و دربار جای تأمل دارد. به نظر می‌رسد شالوده و شاکله نظامی مرینیان و بی‌اعتمادی به بربرها و اعراب، باعث شد تا نیروهای مزدور مسیحی را که از مهارت‌های نظامی بالایی برخوردار بودند، به استخدام خود درآورده امتیازات ویژه‌ای به آنان بدهند.

درباره حضور نیروهای مزدور مسیحی در دولت‌های اسلامی مغرب، چندین تحقیق صورت گرفته است؛ فایزه کلاس^{۱۱} و ابراهیم القادری^{۱۲} اختصاصاً درباره نیروهای مسیحی

مغرب ناگزیر شدند از نظامیان مسیحی استفاده کنند. مأمون خلیفه موحدی (۶۲۶-۶۲۹هـ) جهت مقابله با شیوخ موحدین از پادشاه قشتاله یاری خواست؛ او نیز ۵۰۰ نفر و طبق گزارش ابن‌ابی‌زرع بالغ بر ۱۲ هزار نفر از مسیحیان را به کمک مأمون فرستاد (حرکات، المغرب عبر التاريخ، ۹۴/۲؛ عمر موسی، ۲۰۵).

۸. شمار قابل توجهی از اسناد معاهدات و مکاتبات صورت گرفته بین مرینیان و آراگون در مجموعه بایگانی تاج آراگون (مهم‌ترین مرکز بایگانی اسناد حکومتی اسپانیا در برشلونه (بارسلون)) نگهداری می‌شود. عبدالهادی تازی مورخ معاصر مراکشی برخی از این اسناد را گردآوری و بازخوانی کرده است؛ (تاریخ الدیپلوماسی للمغرب، ۱۱۹/۷-۱۵۳).

۹. ابن‌خلدون، مقدمه، ۳۳۸/۱.

۱۰. مُرتزقه، به معنی سپاهیان مزدور و جیره خوار است و در مقابل مُطوّعه، به معنی سپاهیان داوطلبان به کار می‌رود.

۱۱. فایزه کلاس، «الجیش عند الموحدين»، در اسات تاریخیة، لجنة كتابة تاریخ العرب بجامعة دمشق، العدد ۳۱ و ۳۲، ۱۹۸۹م.

دولت موحدون پژوهش کرده‌اند. خوسی الیمانی پژوهشی راجع به نیروهای دور مسیحی در دوره مرابطون، موحدون و مرینیان انجام داده است. ترجمه عربی این پژوهش به قلم احمد مدینه با عنوان «الکتائب المسيحية في خدمة الملوك المغاربة» در مجله دعوة الحق (۱۹۷۸م) به طبع رسیده است. مصطفی نشاط نیز در پژوهشی با عنوان «جوانب من الديمغرافية التاريخية لليهود والنصارى بالمغرب في العصر المريني» (مجله کنایش، ۱۹۹۹م) به این مسأله توجه کرده است. ارزش دو پژوهش اخیر در استفاده از منابع اروپایی و ضعف آنها در غفلت از گزارش‌های منابع اسلامی است.^{۱۳}

خاستگاه مزدوران مسیحی

در منابع اسلامی از مسیحیان مزدوری که در خدمت دولت‌های اسلامی مغرب بودند، با عناوینی چون النصارى الخدام،^{۱۴} جند النصارى،^{۱۵} اجناد الروم،^{۱۶} الفرنج،^{۱۷} العلوج،^{۱۸} الاعلاج الرومیه و الاجناد الاندلسیه^{۱۹} یاد شده است. منابع اسلامی به منبع تأمین این مزدوران اشاره نکرده‌اند؛ در اغلب این منابع عنوان الروم درباره آنان به کار رفته است.^{۲۰} اما

۱۲. القادری بوتشیش، ابراهیم، «الجالیات المسيحية بالمغرب الإسلامی خلال عصر الموحدين»، الاجتهاد، العدد ۲۸، بیروت، ۱۴۱۶هـ.

۱۳. از آنجا که دسترسی به منابع اروپایی برای نگارنده دشوار بود، از مطالب این دو پژوهش در این نوشتار استفاده شده است.

۱۴. ابن خلدون، العبر، ۱۱۳/۷ و ۴۶۵.

۱۵. جولیان، ۲۳۸/۲.

۱۶. ابن ابی زرع، الذخيرة السنية، ۹۱.

۱۷. ابن خلدون، مقدمه، ۳۳۸/۱؛ العمری، ۱۱۱؛ قلقشندی، ۲۰۳/۵؛ سلاوی، ۱۰۰/۳.

۱۸. قلقشندی، ۱۹۷/۵، ۲۰۱ و ۲۰۳.

۱۹. نمیری، مقدمه مصحح، ۱۰۶.

۲۰. با این که منابع از آنان با عنوان رومی یاد کرده‌اند، اما در حقیقت آنان اسپانیایی بودند نه رومی (مونس، ۱۶/۳).

از منابع اروپایی معلوم می‌شود که اغلب آنان از سرزمین قشتاله^{۲۱} و آراگون و برخی نیز پرتغالی و جنوایی بوده و به هر حال تابعیت ممالک مختلف مسیحی را داشته‌اند.^{۲۲} به نظر می‌رسد در دوره موحدون بیشتر نیروهای مرتزقه از منطقه قشتاله بوده‌اند؛^{۲۳} اما در عصر مرینی، شاید به دلیل دشمنی مرینیان با قشتاله و رابطه دوستانه آنان با آراگون، شمار آراگونی‌ها افزایش یافت.

زمینه‌های ورود مسیحیان به دربار مرینیان

مرینیان در درگیری‌هایی که با موحدون داشتند، با مزدوران مسیحی آشنا شدند و به مهارت‌های آنان پی بردند. نخستین مواجهه مرینیان با آنان به سال‌های قبل از ۶۴۰هـ، زمان محمدبن عبدالحق برمی‌گردد. در آن زمان مرینیان در نزدیکی مکناسه با دسته‌ای از مسیحیان، که موحدون به جنگ آنان فرستاده بودند، برخوردند که فرمانده آن مزدوران به دست محمدبن عبدالحق (۶۳۷-۶۴۲هـ) کشته شد.^{۲۴} پس از آن، موحدون گروه دیگری از مسیحیان مزدور را واداشتند تا بنی‌عسکر یکی از شاخه‌های بنی‌مرین را با خود متحد سازند، اما بنی‌عسکر آنان را دستگیر و با مرینیان تجدید پیمان کردند.^{۲۵} زمانی که ابویحیی بن عبدالحق (۶۴۲-۶۵۶هـ) فاس را تصرف کرد، گروهی از سپاه موحدون را که در بین آنان

۲۱. قشتاله سرزمین نسبتاً وسیعی در قسمت شمالی اسپانیا بود. قشتاله (Castles) به معنی قلعه‌ها است، که مسیحیان منطقه برای مقابله با مسلمانان آنها را بنا کرده بودند.

۲۲. نشاط، ۷۲.

۲۳. عمدتاً فرماندهی گردان‌های مسیحی سپاه موحدین را سرداران قشتالی بر عهده داشتند؛ ابن‌القمط قشتالی از جمله فرماندهان نیروهای مسیحی موحدون بود (الحلل الموشية، ۱۷۳؛ قادری، الجالیات المسيحية بالمغرب، ۹۷).

۲۴. ابن‌خلدون، العبر، ۲۲۶/۷.

۲۵. همو، همان، ۲۲۷/۷.

مزدوران مسیحی نیز حضور داشتند، در شهر باقی گذاشت؛^{۲۶} بنا بر این، در پی این حوادث دسته‌هایی از مزدوران مسیحی سپاه موحدین به مرینیان پیوستند. احتمالاً شماری نیز از سپاه بنی‌عبدالواد^{۲۷} به خدمت مرینیان درآمدند.^{۲۸}

بخشی از نیروهای مرتزقه بر اساس معاهدات نظامی مرینیان با دولت آراگون وارد مغرب شدند؛ از جمله در سال ۷۰۳ هـ چهار کشتی سرباز آراگونی به سپاه مرینی پیوستند تا آنان را در آزادسازی سبتّه^{۲۹} که به اشغال بنی‌احمر (۶۲۹-۸۹۷ هـ)^{۳۰} درآمده بود، یاری رسانند.^{۳۱} هم‌چنین در متن معاهده‌ای که در سال ۷۰۹ هـ/۱۳۰۹ م بین سلطان ابوالریح (۷۰۸-۷۱۰ هـ) با آراگون منعقد گردیده، از پرداخت حقوق هزار سرباز سواره‌نظام آراگونی از جانب سلطان مرینی سخن رفته است.^{۳۲} در سال ۷۹۰ هـ نیز جان (خوان) اول^{۳۳} (۱۳۸۷ -

۲۶. همان، ۲۳۱/۷.

۲۷. بنی‌زیان یا بنی‌عبدالواد، از سال ۶۳۷ تا ۹۶۲ هـ بر مغرب میانه (الجزائر) حکومت داشتند. همواره بین آنان با مرینیان جنگ و درگیری وجود داشت.

۲۸. در درگیری‌های مرینیان با بنی‌عبدالواد برخی از نظامیان مزدور سپاه زیانی به دست مرینیان اسیر شدند؛ از جمله پس از شکست یغمراسن بن زیان از سلطان ابویوسف در سال ۶۷۰ هـ بیرنيس، سردار مسیحیان سپاه او به اسارت مرینیان درآمد (همان، ۲۴۴/۷).

۲۹. سبتّه در گویش مراکشی سبتّه (Ceuta)، شهری مشهور در سرزمین مغرب و از بهترین بنادر آن محسوب می‌شد و نزدیک‌ترین فاصله را با اندلس داشت. در دوره فتوحات، مسلمانان از آنجا وارد اندلس شدند (بکری، ۷۷۹/۲؛ ادیسی، ۵۲۸/۲؛ حموی، ۱۸۲/۳). امروزه سبتّه از مناطق خودمختار اسپانیا به حساب می‌آید.

۳۰. بنی‌احمر یا بنی‌نصر عنوان آخرین دولت اسلامی اندلس است که محمد بن یوسف بن نصر آن‌را در سال ۶۲۹ هـ/۱۲۳۲ م در غرناطه پایه‌گذاری کرد. این دولت سرانجام به سال ۸۹۷ هـ/۱۴۹۲ م در پی اتحاد قشتاله و آراگون، سقوط کرد (آیتی، ۲۳۵).

۳۱. حرکات، ابراهیم، «الجیش المغربی فی عهد بنی‌مرین»، مجلة كلية الاداب و العلوم الانسانية، ۳۵: الأعرجی، ۸۱.

۳۲. تازی، ۱۲۸/۷.

۱۳۹۶م) پادشاه آراگون، پنجاه سواره نظام مسلح و ده زن^{۳۴} را تحت امر جیلیبر روفیر دو طرطوس^{۳۵} به فاس فرستاد.^{۳۶}

عده‌ای از مسیحیان نیز به علت اختلاف با دولت‌های متبوع خود به مرینیان پیوستند؛ از جمله قزمان که از طرف پادشاه قشتاله به سفارت به مغرب آمده بود، پس از آن‌که با آلفونسو اختلاف پیدا کرد، به خدمت سلطان مرینی درآمد و ریاست مسیحیان مرتزقه را عهده‌دار شد.^{۳۷}

مداخله قشتاله در امور مغرب در دوران ضعف مرینیان، باعث شد تا شماری از مسیحیان وارد این سرزمین شوند؛ از جمله سلطان ابوسالم (۷۶۰-۷۶۱هـ) به پشتیبانی ناوگان قشتاله وارد مغرب شد و به حکومت دست یافت.^{۳۸} تاشفین بن ابوالحسن نیز که مدتی را در قشتاله گذرانده بود، به همراه بزرگان مسیحی قشتالی به مغرب آمد و در سال ۷۶۲هـ به جای ابوسالم به حکومت نشست.^{۳۹} مسلما این دسته از مسیحیان که سلطان را در رسیدن به حکومت یاری می‌کردند، بعدها در دربار او صاحب نفوذ می‌شدند.

احتمالا رابطه خویشاوندی مرینیان با مسیحیان نیز در جلب نیروهای مسیحی مؤثر بوده است؛ برخی از سلاطین مرینی از مادران مسیحی زاده شده بودند.^{۴۰} هرچند در دوره مرینیان زنان در امور دربار نقش چندانی نداشتند و عمدتا در حجاب بودند، اما گاه غیر

۳۴. از این زنان با عنوان نساء العمومیات یاد شده است، ظاهرا آنان وظیفه پشتیبانی و امدادسانی به جنگجویان را داشته‌اند (نک: همان، ۱۴۹/۷ و ۱۵۰).

35. G.Rovin de Trortose.

۳۶. همان، ۱۴۹/۷.

۳۷. خوسی، ۴۰.

۳۸. ابن خلدون، العبر، ۴۰۳/۷؛ ابن خطیب، الاحاطة، ۳۰۶/۱؛ سلاوی، ۱۰۵/۳.

۳۹. ابن خلدون، همان، ۳۶۷/۷ و ۴۱۵؛ مقری، ۱۱/۶؛ سلاوی، ۱۲۲/۲-۱۲۳.

۴۰. مادر ابوعلی بن ابوسعید عثمان دوم مسیحی بود (ابن خلدون، العبر، ۳۲۳/۷)؛ مادر سلطان ابوعنان کنیزی رومی بود که شمس الضحی نام داشت (سلاوی، ۷۰/۲)؛ مادر سلطان ابوسالم نیز کنیزی مسیحی به اسم قمر بود (همان، ۹۴/۲)؛ و مادر عبدالحق، آخرین سلطان مرینی نیز کنیزی اسپانیایی بود (وزّان، ۳۱۸/۱؛ سلاوی، ۱۶۶/۲).

مستقیم بر سلطان تأثیر می‌گذاشتند؛^{۴۱} چنان‌که حضور زنان مسیحی در دربار به عنوان مادر یا همسر سلطان می‌توانست در حضور و نفوذ مسیحیان در امور حکومت مؤثر افتد؛ به گفته وژان برخی از ملازمان دربار کنیزان مسیحی بودند که تابعیت اسپانیایی و پرتغالی داشتند.^{۴۲} از گزارش ابن خلدون درباره خویشاوندی مادر سلطان ابوعلی بن ابی سعید با رئیس مسیحیان خدمت‌گزار می‌توان به شأن و منزلت آنان در دربار مرینیان پی برد.^{۴۳}

اوضاع نابسامان مسیحیان در اروپا و اعطای برخی مزایا به مزدوران مسیحی در حکومت مرینیان باعث شد تا مسیحیانی روانه مغرب شوند.^{۴۴} هم‌زمان دولت‌های اروپایی برای حل بحران مالی خود به فروش برده روی آورده بودند؛^{۴۵} از سوی دیگر توانمندی‌های بردگان مسیحی سلاطین مغرب را به خریدن آنان راغب ساخته بود.^{۴۶} احتمالاً مرینیان نیز آن‌طور که در اغلب دولت‌ها مرسوم بوده، بردگانی را خریداری کرده پس از آموزش‌های لازم در امور دربار به کار می‌گرفتند.^{۴۷} هم‌چنین طی لشکرکشی‌های مرینیان به اندلس شمار

۴۱. حریری، ۳۳۱.

۴۲. وژان، ۲۸۸/۱.

۴۳. ابن خلدون، العبر، ۳۲۳/۷.

۴۴. نشاط، ۷۳.

۴۵. در اروپا برده چنان ارزان شده بود که چندین برده را معادل بهای یک اسب (حدود ۶ دینار) می‌فروختند (همانجا).

۴۶. از نامه‌ای که سلطان زیانی عبدالرحمن بن موسی (۷۰۸-۷۴۹ هـ) به جاک دوم، پادشاه آراگون نوشته است، می‌توان به اهمیت بردگان برای سلاطین مغرب پی برد؛ در این نامه آمده است: «اما راجع به بردگانی که به ما فروختید ... همه می‌دانند که کشور جز به دست بردگان آباد نمی‌گردد، اغلب آنان صنعتگرند و در انواع فنون مهارت دارند» (تازی، ۱۳۰/۷).

۴۷. منونی، ۱۰۰.

زیادی از مسیحیان به اسارت آنان در آمده،^{۴۸} برخی در بین سپاهیان تقسیم^{۴۹} و برخی جهت خدمت‌گزاری به سلطان روانه قصر و دربار می‌شدند.^{۵۰}

در دوره مرینیان بیشتر ساکنان فاس را نظامیان تشکیل می‌دادند^{۵۱} که بخش اعظم آنان مزدوران مسیحی بودند. علاوه بر فاس، آنان در رباط و مراکش نیز اقامت داشتند.^{۵۲} باید اذعان کرد که شمار این مزدوران در عصر مرینی قابل توجه بوده است و سخن منونی را، که مرینیان به صورت محدود از آنان استفاده می‌کرده‌اند،^{۵۳} نمی‌توان پذیرفت. در بعضی منابع شمار سربازان مسیحی زمان سلطان ابوالحسن مرینی (۷۳۱-۷۴۹هـ) بالغ بر چهارهزار سواره‌نظام ذکر شده،^{۵۴} گرچه ابن مرزوق شمار آنان را، در همان زمان، بین دو تا سه هزار دانسته است.^{۵۵} احتمالاً در دوره سلطان ابوعنان شمار مزدوران مسیحی افزایش داشته است، زیرا او با دولت‌های مسیحی رابطه دوستانه برقرار ساخت و معاهداتی را با آنان منعقد کرد.^{۵۶} نمیری با وصفی ادیبانه از مزدوران مسیحی دربار ابوعنان سخن رانده است؛^{۵۷} ابن-

۴۸. برای نمونه در لشکرکشی سلطان ابویوسف به اندلس در سال ۶۷۴هـ تعداد زیادی از مسیحیان که منابع تعداد آنان را ۷۸۳۰ نفر گزارش کرده‌اند، به اسارت مسلمانان درآمدند، (ابن ابی‌زرع، الذخیره السنیه، ۱۷۴؛ ابن خلدون، همان، ۲۴۵/۷).

۴۹. همانجا.

۵۰. تازی، ۱۸۷/۷؛ خرازی، ۶۵؛ احتمالاً این برده‌ها را اخته می‌کردند؛ به گفته مارمول تنها بردگان مسیحی می‌توانستند به قصرهای زنان وارد شوند، (مارمول، ۱۵۲/۲).

۵۱. لوتورنو، ۱۱۵.

۵۲. نشاط، ۷۲.

۵۳. منونی، ۱۵۵.

۵۴. العمری، ۱۷۳/۴.

۵۵. ابن مرزوق، ۲۸۲.

۵۶. نک: نمیری، ۱۰۲، ۱۷۷-۱۷۸؛ تازی، ۱۴۳/۷؛ مجدی، ۸۵؛ فرهمند، ۱۸۰-۱۸۳.

۵۷. نمیری، ۶۳.

خلدون نیز از به کارگیری مسیحیان توسط ابوعنان در سرکوبی مخالفانش خبر داده است.^{۵۸}

قائد الروم (سرداران مسیحی)

قائد الروم،^{۵۹} قائد النصارى^{۶۰} و قائد جند النصارى^{۶۱} عنوانی بود که به سرداران و فرماندهان نیروهای مرتزقه مسیحی اطلاق می‌شد. ظاهراً در برخی مواقع قائد الروم افزون بر فرماندهی نظامیان مسیحی، کل سپاه مرینی را نیز تحت امر خود داشته است.^{۶۲} برخی از سرداران مسیحی در حکومت مرینیان نفوذ زیادی داشتند، به گونه‌ای که در برکناری سلطان و جایگزینی سلطانی دیگر مداخله می‌کردند.^{۶۳}

قرمان از جمله مسیحیان با نفوذ دربار بنی مرین بود. او در زمان حکومت سلطان ابویوسف فرماندهی مزدوران مسیحی دربار بنی مرین را عهده‌دار شد.^{۶۴} قرمان از هیئتی که آلفونسو پادشاه قشتاله در سال ۶۸۱هـ. به فاس فرستاده بود استقبال کرد.^{۶۵}

الکونت ماجور^{۶۶} نیز فرماندهی چهار کشتی نیروی نظامی را، که آراگون در سال ۷۰۳/۱۳۰۴م جهت یاری مرینیان در آزادسازی سبته به مغرب فرستاد، بر عهده داشت.^{۶۷}

۵۸. بنا بر گزارش ابن خلدون ابوعنان برای دستگیری عیسی بن الحسن از مشایخ بنی مرین که در جبل الفتح بر علیه وی شورش کرده بود، سردار مسیحی سپاه خود را مامور این کار کرد، (ابن خلدون، العبر، ۳۹۱/۷).

۵۹. ابن ابی زرع، الانیس المطرب، ۲۷۳؛ ابن خلدون، العبر، ۳۱۸/۷.

۶۰. همو، همان، ۴۱۷/۷.

۶۱. همان، ۴۰۱/۷.

۶۲. همان، ۳۱۸/۷.

۶۳. ابن ابی زرع، الانیس المطرب، ۲۷۳؛ ابن خلدون، همان، ۴۰۱/۷، ۴۱۷ و ۳۱۸.

۶۴. خوسی، ۴۰.

۶۵. همان، ۴۱. این هیئت به قصد کمک گرفتن از سلطان مرینی بر علیه سانچو که به مخالفت پدرش برخاسته بود، به فاس اعزام شده بود، (ابن ابی زرع، الانیس المطرب، ۲۳۸؛ ابن خلدون، همان، ۲۷۰/۷).

66. Alcayt Major.

۶۷. حرکات، «الجیش المغربی فی عهد بنی مرین»، ۳۵؛ اعرجی، ۸۱.

منابع لاتین از شخصی به نام برنارد/برنارط سیگی^{۶۸} یاد کرده و او را فرمانده عالی رتبه مزدوران آراگونی سپاه بنی مرین معرفی نموده‌اند.^{۶۹} وی از بازرگانان بزرگ جنوا بود که در سال ۱۲۹۶هـ/ ۱۲۹۶م وارد مغرب شد و ریاست نظامیان مسیحی دربار بنی مرین را عهده‌دار شد. برنارد سیگی از مشاوران سلطان ابویعقوب (۶۸۵-۷۰۶هـ) نیز بوده و در برقراری پیمان صلح بین او با خایمی^{۷۰} (۱۲۹۱-۱۳۲۷م)، پادشاه آراگون نقش داشته است.^{۷۱} او در سال ۷۰۷هـ از طرف سلطان ابوثابت به سرپرستی هیئتی جهت سفارت به آراگون فرستاده شد.^{۷۲} همسر برنارط سیگی به نام ماریانا سیگی^{۷۳} نیز از افراد با نفوذ بوده است. برخی منابع به کشته شدن این زن در جنگی که در سال ۱۳۱۵م در زمان سلطان ابوسعید عثمان (۷۱۰-۷۳۱هـ) اتفاق افتاد، اشاره کرده‌اند.^{۷۴}

گونزالس^{۷۵} / گونثالث/غونصالو یکی دیگر از سرداران سپاه مرینی در دوره سلطان ابوالربیع بود. ابن خلدون از او به عنوان سردار مطلق سپاه یاد کرده است.^{۷۶} او از نفوذ و قدرت بالایی برخوردار بود و در تحولات سیاسی نقش زیادی داشت.^{۷۷} زمانی که عبدالرحمن رحو بن یعقوب، وزیر ابوالربیع به علت با سلطان دل بد کرد، گونزالس با او هم-دست شد تا با هم سلطان ابوالربیع را از حکومت خلع نمایند. آنان در سال ۷۱۰هـ در رباط تازا با عبدالحق بن عثمان بیعت کردند، اما سلطان ابوالربیع جمع آنان را پراکنده ساخت؛

68. Beranart segi.

۶۹. نشاط، ۷۰.

۷۰. جاک یا خایمی دوم معروف به خایمی العادل، به اسپانیایی: (Jaime el Justo).

۷۱. الأعرجی، ۶۱.

۷۲. خوسی، ۴۱؛ تازی، ۱۲۶/۷.

73. Marciana segi.

۷۴. نشاط، ۷۰.

75. Gonzalez.

۷۶. ابن خلدون، همان، ۳۱۸/۷.

۷۷. حرکات، المغرب عبر التاريخ، ۱۱۶/۲.

عبدالحق بن عثمان و رحو بن یعقوب به اندلس گریختند،^{۷۸} اما از سرنوشت گونزالس در منابع خبری نیامده است.

دامینکوال^{۷۹} از جمله نظامیان آراگونی بود که مدتی را در مغرب سپری کرد. درباره او اطلاع زیادی در دست نیست. از نامه‌های مبادله‌شده بین پادشاه آراگون و سلطان ابوسعید مرینی (۷۱۰-۷۳۲هـ) شده،^{۸۰} در سال‌های ۷۲۳ و ۷۲۴هـ، می‌توان دانست که دامینکوال موقعیت مهمی داشته و از افراد تأثیرگذار بوده است. پادشاه آراگون جهت حمله به سردانیه و کورسیکا به حضور دامینکوال نیازمند بود؛ بنابراین از سلطان مرینی خواسته بود تا او را همراه دیگر سربازان آراگونی به کشورش بازگرداند.^{۸۱}

قهردور (قمندور) نیز یکی دیگر از فرماندهان سپاه مسیحی مرینیان بود. اطلاعات ما راجع به او مبتنی بر گزارشی است که ابن‌خلدون آورده است. قهردور در زمان سلطان سعید بن ابی‌عنان (۷۵۹-۷۶۰هـ)، مسعود بن ماسای را در لشکرکشی به تلمسان همراهی کرد. پس از فتح تلمسان مسعود بن ماسای و قهردور با منصور بن سلیمان بیعت کردند و در صدد برآمدند وی را در فاس به حکومت بردارند، اما در این زمان، سلطان ابوسالم برای تصاحب حکومت خود را از اندلس به مغرب رسانده بود.^{۸۲}

گارسیا (غرسیه) پسر انطون (انطول) یکی دیگر از سرداران با نفوذ سپاه مسیحی بود. او در سال ۷۶۲هـ در خلع سلطان ابوسالم و به حکومت رساندن تاشفین بن ابوالحسن با عمر بن عبدالله وزیر هم‌دستی کرد، اما مدتی بعد به مخالفت با وزیر برخاست و تصمیم به قتل او گرفت ولی عمر بن عبدالله با خبر شده دستور قتل گارسیا را صادر کرد.^{۸۳}

۷۸. ابن‌ابی‌زرع، همان، ۲۷۳؛ ابن‌خلدون، همان، ۳۱۸/۷-۳۱۹.

79. D'Amingual.

۸۰. تازی، ۱۳۱/۷ و ۱۳۳.

۸۱. همان.

۸۲. ابن‌خلدون، همان، ۴۰۱/۷-۴۰۲.

۸۳. همان، ۴۱۶/۷-۴۲۰؛ ابن‌خطیب، الاحاطة، ۳۹۰/۱؛ سلاوی، ۱۲۲/۲-۱۲۳.

وظایف مزدوران مسیحی

اغلب مسیحیانی که به خدمت بنی مرین درمی آمدند سوارکارانی حرفه‌ای و کارآزموده بودند. آنان در میدان نبردهای سنگین سخت‌کوش بودند و در تیراندازی مهارت خاصی داشتند؛ از همین رو، سلاطین مرینی آنان را در زمره نیروهای ویژه خود قرار دادند. آنان در حکم گارد ویژه سلطنتی بودند.^{۸۴}

مراقبت از سلطان و قصر او بر عهده مزدوران مسیحی بود. آنان شب را در اطراف قصر به نگهبانی می‌پرداختند؛^{۸۵} هنگام عزیمت سلطان به سفر و جنگ پیرامون او حرکت می‌کردند و به مراقبت از وی می‌پرداختند.^{۸۶} هم‌چنین زمانی که سلطان برای اقامه نماز عید حاضر می‌شد، نگهبانان مسیحی از او محافظت می‌کردند.^{۸۷}

سلاطین مرینی هنگام عزیمت به جنگ و سفر و یا شرکت در مراسم‌های مذهبی و غیره تشریفات خاصی داشتند، معمولاً چندین پرچم و علامت پیرامون سلطان حرکت داده می‌شد. یکی از این علامت‌ها «طبرزینات»^{۸۸} نام داشت که مردان تومند مسیحی آن را بر دوش می‌کشیدند و پشت سر سلطان حمل می‌کردند.^{۸۹} غلامان معروف به علوج^{۹۰} نیز که

۸۴. ابن خلدون، مقدمه، ۳۳۸/۱؛ جولیان، ۲۳۸/۲.

۸۵. ابن خلدون، العبر، ۴۶۵/۷.

۸۶. همو، مقدمه، ۳۳۸/۱. نمیری در گزارش خود از عزیمت سلطان ابوعنان به قسنطینه می‌گوید: «ابتدا نیروهای بربر، عرب و ... همراه سلطان راه افتادند سپس نیروهای مسیحی که سبیل‌های بور و چشمانی آبی داشتند و بر اسب‌های نشان‌دار سوار بودند، حرکت کردند» (نمیری، ۸۳-۸۶).

۸۷. قلقشندی، ۲۰۱/۵ و ۲۰۳.

۸۸. احتمالاً نوعی سلاح بوده است.

۸۹. همان، ۲۰۱-۲۰۰/۵.

۹۰. علوج و اعلاج جمع علیج است و به کسی که از دینش خارج شده باشد اطلاق می‌شود. در دوره مرینیان به کفار مسیحی علوج می‌گفتند (نمیری، ۲۳۴، پاورقی).

هنگام سفرهای سلطان جلوی او پرچم سفیدرنگ حمل می‌کردند،^{۹۱} از بردگان مسیحی بودند.^{۹۲} اجازه ورود به خیمه و خرگاه سلطان را نیز تنها مسیحیان و خواص داشتند.^{۹۳}

مزدوران مسیحی در درگیری‌های مرینیان با موحدون و بنی عبدالواد شرکت می‌کردند؛ در جنگی که در سال ۶۷۰ هـ بین ابویوسف مرینی (۶۵۶-۶۸۵ هـ) با یغمراسن زیانی (۶۶۳-۶۸۱ هـ) صورت گرفت، سربازان مسیحی در سپاه دو طرف حضور داشتند و تحت فرمان اربابان مغربی خود، خواه ناخواه، بر روی هم شمشیر کشیدند.^{۹۴} در جنگ‌های مرینیان با موحدون نیز سپاهیان مسیحی دو طرف رویاروی هم قرار می‌گرفتند.^{۹۵} ظاهراً آنان بیشترین نقش را در آزادسازی سبته ایفا کردند. در سال ۷۰۵ هـ سلطان نصری، محمد مخلوع، سبته را اشغال کرد و عثمان بن ابی‌العلاء (د. ۷۳۰ هـ)^{۹۶} را بر حکومت آن گماشت.^{۹۷} مرینیان برای بازپس‌گیری آن سعی بسیار کردند، اما موفق نشدند؛^{۹۸} در نتیجه سلطان ابوالربیع مرینی با کمک نیروهای آراگونی در سال ۷۰۹ هـ سبته را از چنگ بنی‌احمر بیرون آورد.^{۹۹}

۹۱. قلقشندی، ۲۰۸/۵.

۹۲. نمیری، ۱۰۶.

۹۳. مارمول، ۱۷۳/۲.

۹۴. نک: ابن‌ابی‌زرع، الأنیس المطرب، ۲۰۵ و ۲۰۷؛ همو، الذخيرة السنية، ۱۳۱؛ ابن‌خلدون، العبر، ۲۴۴/۷؛ سلاوی، ۳۱/۳.

۹۵. ابن‌ابی‌زرع، الأنیس المطرب، ۲۰۲ و ۲۰۵؛ همو، الذخيرة السنية، ۹۵.

۹۶. عثمان بن ابی‌العلاء از طرف مرینیان در اندلس منصب شیخ‌الغزاه داشت. جهت آگاهی بیشتر درباره او، نک: ابن‌خلدون، العبر، ۴۹۰/۷-۴۹۳؛ برگ‌نیسی، کاظم، «ابن ابی‌العلاء»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۶۸۴/۲-۶۸۶.

۹۷. ابن‌خلدون، همان، ۳۰۴/۷.

۹۸. سلطان ابویعقوب برای آزادسازی سبته از دست بنی‌نصر فرزند خود ابوسالم و سپس برادرش یعیش را به جنگ عثمان بن ابی‌العلاء فرستاد، اما هر دو بدون پیروزی بازگشتند، (همان، ۳۱۳/۷).

۹۹. بر اساس معاهده‌ای که ابوالربیع مرینی با آراگون داشت، بایستی تا پایان فتح سبته حقوق هزار سرباز سواره نظام آراگونی را پرداخت می‌کرد، (تازی، ۱۲۸/۷-۱۲۹).

ابن خلدون در مقدمه از عدم استفاده مرینیان از مزدوران مسیحی در جنگ برضد مسیحیان سخن رانده و دلیل آن را بیم از هم‌دستی آنان با دشمن ذکر کرده است،^{۱۰۰} اما برخی گزارش‌ها از جمله در تاریخ او به حضور نیروهای مرتزقه در جنگ با مسیحیان دلالت دارند؛ از جمله در لشکرکشی چهارم ابویوسف به اندلس در سال ۸۴هـ، زمانی که وی سپاه خود را به سوی اشبیلیه روانه ساخت، پنج‌هزار نیروی مرتزقه در سپاه او حضور داشتند؛^{۱۰۱} منابع مشخص نکرده‌اند که آیا این مزدوران مسیحی بوده‌اند یا نه؟ اما همان‌زمان (در محاصره اشبیلیه) سلطان ابویوسف شمار ۲۰۰ نفر از اعیان یهودی و مسیحی را به فرماندهی ابن ابی‌عمار جهت تجسس به اشبیلیه فرستاد تا اخبار سانچو را به وی برسانند؛^{۱۰۲} بنابراین به نظر می‌رسد دست‌کم بخشی از سپاهیان مرتزقه پنج‌هزار نفری سلطان ابویوسف در حمله به اشبیلیه مزدوران مسیحی بودند که وظیفه جاسوسی داشته‌اند.

احتمالاً یکی از وظایف مزدوران مسیحی، مجازات مخالفان حکومت بود. گزارش قابل تأملی که ابن خلدون از محاصره طولانی مدت تلمسان توسط سلطان ابویعقوب مرینی می‌دهد، بر این دلالت دارد که در آن زمان برای اجرای مجازات قتل و یا از میان برداشتن رقیبان از مسیحیان و یهودیان استفاده می‌شده است.^{۱۰۳} احتمالاً چون آنان نسبت به مسلمانان از خود مسلمانان سنگدل‌تر و بی‌رحم‌تر بوده‌اند و مجازات و کشتن افراد به آنان سپرده می‌شد. مرینیان نیز برای از میان برداشتن مخالفان از مزدوران مسیحی استفاده می‌کردند. از جمله گونزالس طبق مأموریتی که داشت، عبدالله بن ابی‌مدین، وزیر سلطان

۱۰۰. ابن خلدون، مقدمه، ۳۳۸/۱.

۱۰۱. ابن خلدون، العبر، ۲۷۵/۷؛ سلاوی، ۴۰۴/۱.

۱۰۲. ابن خلدون، همانجا؛ سلاوی، ۴۰۶/۱.

۱۰۳. ابن خلدون راجع به محاصره تلمسان می‌گوید: «چون از آغاز محاصره هشت سال و سه ماه گذشت، مردم در این مدت گرسنگی زیادی کشیدند ... و کارشان به خوردن مردار و موش و گربه انجامید ... زنان قصر مرگ را بر زندگی ترجیح دادند و از مردان خواستند تا آنان را بکشند... پیشنهاد شد دسته‌ای از یهودیان و مسیحیان را به کشتن زنان بگمارند و خود بر دشمن بتازند» (ابن خلدون، همان، ۱۲۸/۷-۱۲۹؛ سلاوی، ۴۲۶/۱).

ابوالربیع را غافلگیرانه به قتل رساند.^{۱۰۴} هم‌چنین پس از آن که سلطان ابوسالم از حکومت خلع شد، هنگام فرار از فاس به دست یکی از مسیحیان به قتل رسید.^{۱۰۵} ابوالفضل بن ابوسالم نیز در سال ۷۶۹ هـ سردار سپاه مسیحی خود را وادار کرد تا رقیبش عبدالؤمن را به قتل برساند.^{۱۰۶}

مزدوران مسیحی علاوه بر خدمات نظامی، در امور دیوانی نیز انجام وظیفه می‌کردند. پژوهشگران معاصر به نقش سفارتی برخی مزدوران مسیحی در عصر مرینی اشاره کرده‌اند، برنارد سیگی از جمله سرداران مسیحی بود که از طرف سلطان ابوثابت (۷۰۶-۷۰۸ هـ)، به سرپرستی هیأتی به آراگون اعزام شد.^{۱۰۷} هم‌چنین هیئت‌های اروپایی که به مغرب می‌آمدند، سرداران مسیحی با آنان مذاکره می‌کردند.^{۱۰۸} ظاهراً آشنایی مسیحیان با زبان‌های اروپایی باعث شده بود تا مرینیان در مذاکرات خارجی از آنان استفاده کنند.

نقش مسیحیان در ناآرامی‌های سیاسی

مزدوران مسیحی در دوران اقتدار دولت بنی مرین، به حکومت و سلطان وفادار بودند، اما زمانی که دولت ضعیف می‌شد و بین شاهزادگان مرینی و وزرا بر سر قدرت اختلاف می‌افتاد، سرداران مسیحی نیز برضد سلطان توطئه کرده دست به شورش و ایجاد ناامنی می‌زدند. در دوره آغازین حکومت مرینیان در سال ۶۴۷ هـ مسیحیان تحت امر سردار خود، برضد مسعود بن خرباش، نائب ابویحیی بن عبدالحق (۶۴۲-۶۵۶ هـ) در فاس شوریدند و

۱۰۴. ابن خلدون، همان، ۳۱۶/۷، سلاوی، ۵/۲.

۱۰۵. ابن خلدون، همان، ۴۱۵/۷-۴۱۷.

۱۰۶. عبدالؤمن یکی از بزرگان مرینی بود که با ابوالفضل بن ابوسالم بر سر حکومت بر شهر مراکش رقابت داشت، (همان، ۴۳۰/۷؛ سلاوی، ۱۳۵/۲).

۱۰۷. خوسی، ۴۱؛ تازی، ۱۲۶/۷.

۱۰۸. خوسی، همانجا.

به نام المرتضی خلیفه موحدی دعوت کردند.^{۱۰۹} گونزالس در سال ۷۱۰هـ بر ضد سلطان ابوالربیع توطئه کرد.^{۱۱۰}

بعد از درگذشت سلطان ابوالحسن، دولت مسیحی قشتاله با پناه دادن به شاهزادگان مرینی و حمایت از آنان در رسیدن به حکومت، در امور سرزمین مغرب مداخله می‌کرد. قهرودور یکی از سرداران مسیحی بود که در سال ۷۶۰هـ با مسعود بن رحو برضدسلطان سعید بن ابی‌عنان توطئه کرد و با منصور بن سلیمان بیعت نمود.^{۱۱۱} غرسیه بن انطوان در سال ۷۶۲هـ در خلع سلطان ابوسالم و به حکومت رساندن تاشفین مداخله کرد.^{۱۱۲} او به همراه برخی از بزرگان دربار در صدد کشتن عمر بن عبداللّه وزیر برآمد، اما مرینیان متوجه شده او را به قتل رساندند.^{۱۱۳}

نفوذ مسیحیان مزدور در امور دربار و دامن زدن آنان به اختلافات، در ضعف حکومت مرینیان تأثیر زیادی گذاشت؛ به گونه‌ای که باید یکی از دلایل سقوط مرینیان را اتکای بیش از حد آنان به نیروهای مسیحی دانست.^{۱۱۴}

وضع اجتماعی

نیاز به مزدوران مسیحی باعث شد تا مرینیان در تأمین رفاه و آسایش آنان بکوشند و مزایای ویژه‌ای را برای آنان در نظر بگیرند. ظاهراً مقرری نظامیان مسیحی از دیگر دسته‌های سپاه مرینی بیشتر بوده و از همین رو آنان برای خدمت به مرینیان رغبت نشان می‌دادند.^{۱۱۵}

۱۰۹. ابن‌خلدون، همان، ۲۳۱/۷.

۱۱۰. ابن‌ابی‌زرع، همان، ۲۷۳، ابن‌خلدون، همان، ۳۱۹/۷.

۱۱۱. همان، ۴۰۲/۷؛ سلاوی، ۹۳/۲.

۱۱۲. ابن‌خلدون، همان، ۴۱۵/۷؛ ابن‌خطیب، الاحاطة، ۳۰۹/۱.

۱۱۳. ابن‌خلدون، همان، ۴۱۷/۷؛ سلاوی، ۱۲۵/۲.

۱۱۴. حرکات، المغرب عبر التاريخ، ۶۷/۲.

۱۱۵. الأعرجی، ۸۴.

مرینیان اموال مکوس^{۱۱۶} را برای مصرف آنان اختصاص داده بودند.^{۱۱۷} در المسند الصحيح، حقوق نظامیان مزدور مسیحی در هر ماه بین پنجاه تا پنجاه و پنج دینار ذکر شده است.^{۱۱۸} از مفاد معاهدات نظامی مرینیان با آراگون، می توان به میزان و نحوه پرداخت حقوق و مستمری نیروهای مرتزقه دقیق تر پی برد. طبق معاهده ای که در سال ۶۷۲/هـ/۱۲۷۴م بین سلطان ابویوسف مرینی و خایمی اول^{۱۱۹} بسته شد، دریافتی روزانه فرمانده نیروهای آراگونی صد بیزنطی^{۱۲۰} و حقوق هر سرباز دو بیزنطی تعیین گردید؛ افزون بر آن، سربازان غنایم به- دست آمده را نیز تصاحب می کردند. برای سربازان آراگونی مزایای دیگری، مانند اجازه بازگشت به آراگون در پایان سال، حق داشتن عبادتگاه و ... نیز داده شده بود.^{۱۲۱} هم چنین بر اساس توافق نامه ای که سلطان ابوالریبع در سال ۷۰۹/هـ/۱۳۰۹م با آراگون داشت، بایستی به مدت چهار ماه حقوق هزار سرباز سواره نظام را، که مرینیان را در آزادسازی سبته از دست بنی احمر یاری می کردند، می پرداخت^{۱۲۲} و بخشی از غنایم سبته را نیز به آنان می داد.^{۱۲۳}

۱۱۶. مکوس مالیاتی بود که از کشتی های تجاری که وارد سرزمین مغرب می شدند، اخذ می شد؛ از جمله از کشتی های تجاری پیزا که به غساسه وارد می شدند، مکوس دریافت می شد (مارمول، ۲/۲۶۳).

۱۱۷. نک: ابن مرزوق، ۱۱۷ و ۲۸۲.

۱۱۸. همان، ۲۰۸.

۱۱۹. در منابع اسپانیایی: جایمی (Jaime)، در برخی اسناد خطی موجود در موزه های آراگون به صورت دون-جیمی، دو جقمی و دون جاقمه ضبط شده و در منابع عربی به صورت جایمس نیز آمده است؛ (عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ۵/۷۶).

۱۲۰. سکه معروف در قرون میانه و منسوب به بیزنطه یا بیزانس (قسطنطنیه). این نوع سکه نخستین بار در قرن یازدهم میلادی در قسطنطنیه ضرب شد. بیزنطی از طلا و نقره ضرب می شد و هر بیزنطی معادل سه و نیم گرم طلا بود، (جوزیف، ۲۱۶).

۱۲۱. تازی، ۱۲۲/۷.

۱۲۲. همان، ۷/۱۲۸.

۱۲۳. مارمول، ۱/۳۹۶.

نظامیان مزدور مسیحی برای شناخته شدن از دیگر سپاهیان، موظف بودند بر سلاح‌های خود صلیب نصب کنند و لباس ویژه‌ای غیر از لباس نظامیان مسلمان بر تن کنند.^{۱۲۴} البته مرینیان آنان را در دین‌شان آزاد گذاشتند و برای آنان اقدام به ساخت کلیسا نمودند.^{۱۲۵}

ظاهراً مزدوران مسیحی اسباب زحمت مردم فاس می‌شدند؛ بنابراین سلطان ابویوسف در سال ۶۵۹هـ در بیرون از شهر فاس مکانی را به نام حظیره یا مرس القدیم بنا کرده آنان را بدانجا منتقل ساخت.^{۱۲۶} این مکان همان‌طور که از عنوان حظیره نیز برمی‌آید حکم پادگان نظامی را داشت که صاحب شرطه با خادمان و نیروهایش، که عمدتاً مسیحی بودند،^{۱۲۷} در آنجا اقامت می‌کردند.^{۱۲۸}

در منابع از محل اقامت مسیحیان در فاس تحت عنوان ربض النصارى^{۱۲۹} و الملاح^{۱۳۰} یاد شده و علت بنای آن تمایز مسیحیان از مسلمانان و دفع آزار و اذیت آنان از مردم ذکر گردیده است.^{۱۳۱} منونی بر این نظر است که حظیره غیر از ربض النصارى بوده و احتمالاً بعد از بنای فاس جدید در سال ۶۷۴هـ ساخته شده است.^{۱۳۲} ربض النصارى در واقع شهری

۱۲۴. الأعرجی، ۹۲.

۱۲۵. حرکات، «الجیش المغربی فی عهد بنی مرین»، ۳۵؛ تازی، ۱۲۲/۷.

۱۲۶. ابن ابی زرع، الذخیره السنیه، ۹۱ و ۹۶. وژان مکان آن را در کنار دروازه غربی فاس و چسبیده به دیوار شهر دانسته است؛ به گفته او این مکان رواق بسیار بزرگی بود با حجره‌های کوچک (وژان، ۲۸۲/۱).

۱۲۷. نک: حرکات، المغرب عبرالتاریخ، ۱۱۳/۲.

۱۲۸. وژان، ۲۸۲/۱.

۱۲۹. قلقشندی، ۱۴۹/۵.

۱۳۰. ابن خطیب، نفاضة الجراب، ۱۹۴؛ ابن خلدون، العبر، ۴۲۰/۷. الملاح عمدتاً به محل اقامت یهودیان اطلاق می‌شد.

۱۳۱. ابن مرزوق، ۱۱۶.

۱۳۲. منونی، ۵۰.

مستقل بود و تمامی امکانات را داشت.^{۱۳۳} مسیحیان در ربض النصارى آزادانه زندگی می‌کردند. آنان زنان و فرزندان‌شان را در آنجا اقامت داده بودند.^{۱۳۴}

علی‌رغم حمایت مرینیان از اجتماعات مسیحی، ظاهراً گاه آنان از سوی عده‌ای مورد هجوم قرار می‌گرفتند؛ از جمله در سال ۱۳۰۸/۵۷۰۷ م، یوسف بن محمد بن ابی‌عیاد، حاکم مراکش دست به کشتار مسیحیان مقیم مراکش زده و بر اموال آنان دست یافت.^{۱۳۵} هم‌چنین پس از آن‌که توطئه غرسیه بن انطوان برضد عمر بن عبداللّه وزیر آشکار شد، مردم فاس به ربض النصارى (الملاح) هجوم بردند و بسیاری از مسیحیان را کشته اموالشان را غارت کردند.^{۱۳۶}

از گزارش‌های منابع دوره مرینی، درباره اخراج نظامیان مسیحی از فاس و دفع آزار آنان از مردم،^{۱۳۷} هم‌چنین تردد ارادل و اوباش و شراب‌خواران مسلمان در اجتماعات مسیحی فاس،^{۱۳۸} می‌توان دانست که حضور مسیحیان در جامعه اسلامی برای مسلمانان قابل تحمل نبود. گزارش هجوم مسلمانان به ربض النصارى بر خشم و نفرت مسلمانان به مسیحیان و نارضایی آنان از نفوذ قدرت مزدوران مسیحی در دربار مرینی دلالت دارد. با توجه به کشمکش‌ها و درگیری‌های مسلمانان با مسیحیان در اندلس، رفتارهای تفرآمیز مردم مغرب از مسیحیان دور از انتظار نبود. اما حمایت مرینیان از مسیحیان، احتمالاً مسلمانان را مجبور به سکوت کرده بود. اگر مردم از مداخله مسیحیان در امور دولت شکایت داشتند و به

۱۳۳. حرکات، همان، ۹۶/۲.

۱۳۴. مارمول، ۱۵۷/۲.

۱۳۵. زمانی که سلطان ابوثابت از کشتار مسیحیان مراکش توسط ابن‌ابی‌عیاد خبر یافت ابن‌ابی‌عیاد و صد نفر از یاران او را کشت و سرهایشان را به انتقام کشته شدگان مسیحی بر دروازه مراکش آویخت (حرکات، همان، ۹۵/۲).

۱۳۶. ابن‌خلدون، همان، ۴۱۷/۷؛ سلاوی، ۱۲۵/۲.

۱۳۷. ابن‌ابی‌زرع، الذخیره السنیه، ۹۱.

۱۳۸. ابن‌خلدون، همان، ۴۲۰/۷.

سلطان اعلام می‌کردند، سلطان اقدامی انجام نمی‌داد؛^{۱۳۹} بنابراین مسلمانان درصدد فرصت و بهانه بودند تا آتش خشم و نفرت خود را به مسیحیان شعله‌ور کنند.

احتمالاً توطئه‌ها و دسیسه‌چینی‌های مزدوران مسیحی و اعتراض مسلمانان بر آنان، گاهی مرینیان را بر آن می‌داشت تا محدودیت‌ها و مجازاتی برای آنان در نظر بگیرند.^{۱۴۰} از نامه‌ای که پاپ نیکولاس چهارم در سال ۱۲۹۰/۶۸۹هـ م به مسیحیان مقیم مغرب نوشته است، توان دانست که پاپ از وضع اتباع خود در جامعه اسلامی نگران بوده و بیم تباهی دین آنان را داشته است.^{۱۴۱} گاهی مسیحیان فشارهایی را که از جانب مسلمانان بر آنان وارد می‌شد، به پاپ و دولت‌های مسیحی اعلام می‌کردند و از آنان یاری می‌خواستند؛ از جمله در اواخر دوره مرینی در سال ۸۲۲/۱۴۱۹م آنان شکایات خود را به پاپ مارتان پنجم اعلام کردند.^{۱۴۲} کلیسا و دولت‌های مسیحی نیز برای رهایی مسیحیان در مغرب اقدام کردند و از این طریق زمینه نفوذ خود را در این سرزمین فراهم ساختند.^{۱۴۳}

پس از سقوط مرینیان که پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها بر برخی مناطق مغرب تسلط یافتند، بعضی از مسیحیان مزدور موقعیت خوبی به دست آوردند؛ از جمله در اواخر قرن

۱۳۹. حرکات، همان، ۷۲/۲.

۱۴۰. از جمله سلطان ابویعقوب دستور داد آنان را در حالت بردگی نگه دارند (خوسی الیمانی، ۴۱)؛ برخی از زندان مخصوص مسیحیان در مراکش سخن رانده‌اند (نک: حرکات، همان، ۹۵/۲).

۱۴۱. نیکولاس در نامه مذکور خطاب به هم‌وطنان خود، از جمله به بارونات (خادمان قصر)، و المیلیشیات المسیحیه (شبه نظامیان مسیحی) که در خدمت سلاطین مغرب، تونس و تلمسان بودند، توصیه کرده تا نسبت به حفظ دین و عقیده خود اهتمام داشته باشند. پاپ از رعایای مسیحی خود خواسته بود تا در امور دینی از رودریک نماینده او اطاعت کنند (تازی، ۱۸۷/۷).

۱۴۲. همان.

۱۴۳. نک: قادری، ۹۲-۹۳؛ نشاط، ۷۳-۷۴؛ خرازی، ۵۲.

۱۵ میلادی/ نهم هجری یکی از احفاد مسیحیان مرتزقه در رباط به ریاست کلیسای سان فرانسوا رسید.^{۱۴۴}

نتیجه

مرینیان برای استحکام بخشیدن به بنیه حکومت خود به نیرویی نظامی تکیه داشتند، اما بی-اعتمادی آنان به بربرها و اعراب و نیز ناتوانی آنان در تسلط بر منطقه استراتژیکی سبب باعث شد تا جهت برخورداری از نیروی نظامی قابل اعتماد و فرمانبردار، به نیروهای مرتزقه مسیحی، خاصه سربازان آراگونی، که از مهارت‌های نظامی ویژه برخوردار بودند، توجه کنند و آنان را در امور سپاه و دربار به خدمت بگیرند. نیاز مرینیان به این مزدوران باعث شد، برای آنان عطایا و مزایای ویژه در نظر بگیرند. به همین دلیل مسیحیان نیز به خدمت در دربار آنان رغبت نشان دادند و با انواع خوش خدمتی‌ها در امور نظامی، مانند شرکت در جنگ‌ها، محافظت از سلطان و مراقبت از قصر او، هم‌چنین حضور در امور سیاسی، مانند سفارت و جاسوسی و... نقش مؤثری ایفا کردند و از این طریق نفوذ زیادی را در حکومت مرینیان به-دست آوردند. در دوران ضعف حکومت مرینیان، برخی از سرداران مسیحی، احتمالاً با حمایت دولت قشتاله، بر کشمکش‌های بین شاهزادگان مرینی دامن زدند و در تضعیف و سقوط دولت آنان اثر گذاشتند.

کتابشناسی

- آیتی، محمدابراهیم، آندلس، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ ش.
ابن‌ابی‌زرع، أبو‌الحسن علی بن عبدالله الفاسی، الأئیس المطرب بروض القرطاس فی أخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینة فاس، الرباط، دارالمنصور للطباعة و الوراق، ۱۹۷۲ م.
همو، الذخیرة السنیة فی تاریخ الدولة المرینیة، الرباط، دارالمنصور للطباعة و الوراق، ۱۹۷۲ م.

ابن الخطيب، لسان الدين، الإحاطة في أخبار غرناطة، تحقيق محمد عبدالله عنان، ط ٢، القاهرة، مكتبة الخانجي، ١٩٧٣م.

همو، نفاضة الجراب و علالة الاغتراب، به كوشش احمد مختار عبادي، القاهرة، دارالكتب العربي، بي تا.
ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، تاريخ ابن خلدون العبر ديوان المبتدأ والخير في تاريخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوى الشأن الأكبر، تحقيق خليل شحادة، بيروت، دارالفكر، ط الثانية، ١٤٠٨هـ/١٩٨٨م.

همو، مقدمه، تحقيق خليل شحادة، بيروت، دارالفكر، ط الثانية، ١٤٠٨هـ/١٩٨٨م.
ابن مرزوق تلمساني، محمد، المسند الصحيح الحسن في مآثر و محاسن مولانا ابي الحسن، به كوشش ماريا خيسوس بيغيرا، به كوشش محمود بوعيدا، الجزائر، الشركة الوطنية للنشر و التوزيع، ١٤٠١هـ/١٩٨١م.

الادريسي، ابو عبدالله محمد بن محمد بن عبدالله، نزهة المشتاق في اختراق الآفاق، بيروت، عالم الكتب، ١٤٠٩هـ.

الأعرجي، نضال مؤيد، الدولة المرينية على عهد السلطان يوسف بن يعقوب المريني، بإشراف الدكتور عبدالواحد ذنون طه، مجلس كلية التربية - جامعة الموصل، ١٤٢٥هـ/٢٠٠٤م.
برگ نيسي، كاظم، «ابن ابي العلاء»، دائرة المعارف بزرگ اسلامي، ج ٢، تهران، مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامي، ١٣٨٢ش.

البركي، ابو عبيد، المسالك و الممالك، بي جا، دارالغرب الاسلامي، ١٩٩٢م.
تازي، عبدالهادي، تاريخ الدبلوماسية للمغرب، الهيئة العامة لمكتبة الاسكندرية، ١٤٠٨هـ/١٩٨٨م.
جوزيف، نسيم يوسف، العدوان الصليبي على مصر (هزيمة لويس التاسع في المنصورة و فارسكور)، بيروت، دارالنهضة العربية، ١٩٨١م.

جوليان، شارل اندري، تاريخ أفريقيا الشمالية، تحقيق، محمد مزالي و البشير بن سلامة، ج ٢، الدار التونسية للنشر، بي تا.

حركات، ابراهيم، «الجيش المغربي في عهد بني مرين»، مجلة كلية الاداب و العلوم الانسانية، العدد ٨، الرباط، ١٩٨٢م.

همو، المغرب عبر التاريخ، الجزء الثاني، دارالحدیث، دارالبيضاء، ٢٠٠٤م.
حريري، محمد عيسى، تاريخ المغرب الاسلامي و الاندلس في العصر المريني، دارالقلم للنشر و التوزيع، كويت، ١٤٠٨هـ.

- حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، دارالصادر، ۱۹۹۵م.
- خرازی، بدیع، تاریخ الكنيسة النصرانية في المغرب الأقصى، رباط، ۱۴۲۸هـ/۲۰۰۷م
- خوسی الیمانی، «الكتائب المسيحية في خدمة الملوك المغاربة»، ترجمه احمد مدینه، دعوة الحق، سال ۱۹، ش ۵، ۱۹۷۸م.
- سلاوی، احمد بن خالد ناصری، الإستقصاء لآخبار الدول المغرب الأقصى، به كوشش محمد حجي، ابراهيم بوطالب و احمد توفيق، منشورات وزارة الثقافة والاتصال، بی جا، ۲۰۰۱م.
- عسکری، علی بابا، «آراگون»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۲ش.
- عمر موسی، عزالدین، دولت موحدون در غرب جهان اسلام، ترجمه صادق خورشیا، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱ش.
- عمری، شهاب الدین احمد بن فضل الله، مسالك الابصار و ممالک الامصار، به كوشش حمزة احمد عباس، ابوظبی، المجمع الثقافي، ۲۰۰۲م.
- عنان، محمد عبدالله، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ترجمه عبدالمحمد آیتی، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۱ش.
- فارج، فلیپ و یوسف کرباج، المسيحيون و اليهود في التاريخ الاسلامي العربي و التركي، ترجمه بشیر السباعی، القاهرة، سینا لنشر، ۱۹۹۴م.
- فایزه کلاس، «الجيش عند الموحدين»، دراسات تاريخيه، لجنة كتابة تاريخ العرب بجامعة دمشق، العدد ۳۱ و ۳۲، ۱۹۸۹.
- فرهمند، یونس، «تجارت در دریای مدیترانه: بررسی معاهدات تجاری ابوالحسن و ابوعنان مرینی با دولت های مسیحی»، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۸، ش ۱۵، تهران، بهار و تابستان ۱۳۹۱ش.
- القادری بوتشیش، ابراهیم، «الجالیات المسيحية بالمغرب الإسلامي خلال عصر الموحدين»، الاجتهاد، العدد ۲۸، بیروت، ۱۴۱۶هـ.
- القلقشندی، ابوالعباس احمد بن علی، صبح الأعشى في صناعة الإنشاء، شرح و تعليق نبیل خالد الخطیب، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۷هـ/۱۹۸۷م.
- لوتورنو، روجیه، فاس فی عصر بنی مرین، ترجمه نقولایزاده، بیروت، مکتبه لبنان، ۱۹۶۷م.
- مارمول، کرفجال (کربخال)، إفريقيا، ترجمة عن الفرنسية محمد حجي و آخرون، الرباط، مکتبه المعارف، ۱۹۸۴م.

مجدى يسن عبد العال، عبد الله سلام، العلاقات التجارية بين دولة بنى مرين و الجمهوريات الإيطالية (جنوة- بيزا - البندقية)، رسالة لنيل درجة الدكتوراه، مصر، جامعة الرقازيق، كلية الآداب، ٢٠٠٥م.
مجهول المؤلف، (تأليف ٧٨٣هـ)، الحلل الموشية فى ذكر الخبر المراكشية، تحقيق، علوش، رباط
الفتح، ١٩٣٤م.

مقرى تلمسانى، احمد، نفح الطيب، به كوشش احسان عباس، بيروت، ١٣٨٨هـ/ ١٩٦٨م.
منونى، محمد، ورقات عن حضارة المرنبيين، كلية الآداب بالرباط، دارالبيضاء، ١٤٢٠هـ/ ٢٠٠٠م.
مونس، حسين، تاريخ تمدن مغرب، ترجمه حميدرضا شيوخى، تهران، سمت، ١٣٩٠ش.
نشاط، مصطفى، «جوانب من الديمغرافية التاريخية لليهود و النصرى»، كنانيش، العدد ١، وجده،
منشورات كلية الآداب و العلوم الانسانية، ١٩٨٩م.
نميرى، ابن الحاج، فيض العباب و افاضة قداح الآداب فى الحركة السعيدة الى قسنطينة و الزاب، تحقيق
محمد بن شقرون، بيروت، دار الغرب الاسلامى، ١٩٩٠م.
وزان، حسن بن محمد، إفريقيا، ترجمه عن الفرنسية محمد حجبى و محمد الاخضر، بيروت، دارالغرب
الاسلامى، ١٩٨٣م.